

طرح هیئت منصفه

مشکلات قانون گذاری در مجلس ششم

اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی را در محاکم دادگستری به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه قرار داده است. بخشی از طرح جرایم سیاسی که به هیئت منصفه اختصاص داشت پس از بازگشت از سوی شورای نگهبان و ایرادات وارده از طرف کمیسیون حذف گردید تا در طرحی جداگانه به نام "طرح هیئت منصفه" مورد بررسی در صحن علنی قرار گیرد.

فوریت طرح به دلیل حضور هیئت منصفه در دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی مطرح گردید، زیرا اجرای آن تأمین حقوق شهروندی به خصوص فعالان عرصه مطبوعات و سیاست را دربرمی گیرد.

مزروعی در خصوص فوریت و ضرورت طرح می گوید: حضور هیئت منصفه در دادگاه‌ها باید به نحوی باشد که برآیند افکار عمومی باشد، اما تعریفی که تا به حال از هیئت منصفه ارائه شده به جای هیئت منصفه انتخابی از طرف نهادهای مردمی، حالت انتصابی داشته است.

هیئت منصفه از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و پیش از انقلاب چنین سستی در دادگاه‌ها وجود نداشته است و به دلیل محاکمه مصلحان و مبارزان و اهالی مطبوعات در دادگاه‌های نظامی، خبرگان قانون اساسی این اصل مهم را در قانون اساسی گنجانده تا با حضور هیئت منصفه امکان تعرض به حقوق شهروندان کاهش یابد. علاوه بر اینها، قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ شورای عالی قضایی وقت را موظف کرد که ظرف مدت معینی (شش ماه) قانون هیئت منصفه را به مجلس پیشنهاد کند، ولی هرگز از سوی دستگاه قضایی این قانون به مجلس ارائه نشد.

هیئت منصفه بایستی کارکردی مستقل از حکومت داشته و تعدیل کننده قدرت حکومت در مورد اتهامات سیاسی و مطبوعاتی باشد. نحوه انتخاب اعضا و افزایش تعداد آنان، از اهمیت خاصی برخوردار است که سعی شده در طرح اولیه برآورد گردد.

برخی از نمایندگان با ضرورت طرح مخالف بودند. استدلال آنها ناشی از اصل ۱۶۸ قانون اساسی بود که تأکید دارد نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند. آنها می گویند اگر تأکید بر موازین اسلامی هم نبود، بر اساس اصل ۴ قانون اساسی، مجلس نمی تواند قانونی مغایر با موازین شرع تصویب کند. به زعم این نمایندگان، چون این اصل از حقوق غرب آمده، تأکید بر مطابقت با موازین اسلامی در اصل آن ذکر شده است. قربانی، عضو کمیسیون قضایی، مراد از موازین اسلامی را چنین ذکر کرد که قاضی را نمی توان مکلف کرد که طبق نظر دیگری (هیئت منصفه) قضاوت کند. همچنین این مسئله با استقلال قوه قضاییه هم ناسازگار است.

در حالی که نماینده دیگری مخالفت با کلیات طرح را مخالفت با قانون اساسی می دانست، این پرسش را مطرح می کرد که مگر نهادهایی مثل شورای نگهبان و خبرگان هم از تجریبات بشر نیستند؟ بورقانی نیز به متن سخنان آیت الله مکارم شیرازی در مجلس خبرگان تنوین قانون اساسی اشاره کرد که در جواب آنان گفته اند در اسلام هیئت منصفه نداریم، آیت الله مکارم شیرازی می گوید: "این کلمه را نداریم، ولی محتوایش را داریم. در فقه ما آمده است که یک عده از فضلا و اهل علم در محضر قاضی حاضر باشند تا جلوی اشتباهات قاضی را بگیرند و به او در تشخیص جرم کمک کنند." تأکید بر کلمه تشخیص جرم، نشان می دهد که این مسئله ریشه در فقه اسلامی دارد.

بنابر گفته تهیه کنندگان طرح تا سال ۱۳۷۶ قانون مطبوعات، قانون هیئت منصفه ای که در محاکم جاری بود، مصوب شورای انقلاب بود و طرح کنونی منطبق با قانونی است که به تصویب شورای نگهبان رسیده و آن قانون تا سال ۱۳۷۶ در محاکم اجرا شده است؛ لذا شائبه غیر شرعی بودن آن را در آغاز بعید می دانستند.

اما از آنجا که جرایم مطبوعاتی، افکار عمومی را هدف می گیرند، بنابراین افکار عمومی باید پاسخگو باشند و هیئت منصفه نمایندگی افکار عمومی را برعهده دارد. در مورد جرایم سیاسی هم چون حکومت یک طرف دعواست، خودش نباید قضاوت بکند، چون قاضی، خود از ارکان حکومت است. لذا کلیات طرح با اکثریت قاطع - مشتمل بر ۱۶ ماده

هیئت منصفه
بایستی کارکردی
مستقل از حکومت
داشته و تعدیل کننده
قدرت حکومت در
مورد اتهامات سیاسی
و مطبوعاتی باشد

قربانی، عضو
کمیسیون قضایی،
مراد از موازین
اسلامی را چنین ذکر
کرد که قاضی را
نمی توان مکلف کرد
که طبق نظر دیگری
(هیئت منصفه)
قضاوت کند.
همچنین این مسئله
با استقلال قوه
قضاییه هم ناسازگار
است



– تصویب شد. طرح مذکور پس از هفت بار برگشت از سوی شورای نگهبان، جهت اصلاح ایرادات وارده در کمیسیون امنیت ملی است و تغییرات بسیاری در آن انجام شده است از جمله:

الف- ایراد شرعی به مواد طرح که براساس اصل ۴۶ قانون مطبوعات مصوب مجلس پنجم تنظیم شده و در حال حاضر در دادگاهها هم اجرا می‌شود، شبهه غیرشرعی بودن بر قانون جاری را به وجود آورده و کانالی می‌گردد برای عبور از قانون و اعمال روش‌های غیرقانونی و سلیقه‌ای، جناحی و یا بهانه‌ای برای سوءاستفاده جریانات قانون‌گریز.

ب- اختیارات هیئت منصفه به دلیل اشکال تداخل قوا به حداقل خود رسیده و به شکل یک شورای مشورتی بدون اختیار و به تدریج به صورت یک شورای تشریفاتی درآمده است و به نظر می‌رسد با اهدافی که در خبرگان تدوین قانون اساسی بر آن تأکید شده، فاصله گرفته است.

ماده یک طرح به جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حضور هیئت منصفه، موضوع این قانون به شرح زیر رسیدگی می‌شود. در برگشت اول از شورای نگهبان، یک تبصره به این ماده اضافه شده مبنی بر این که:

دادگاه‌های خاص از اطلاق این ماده مستثنا هستند.

بار دوم، ماده ^(۱) به شرح زیر اصلاح شده و تغییر یافته است:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.

هدف طراحان این بود که در یک نگاه حداقلی، مجوز اجرایی شدن این طرح از سوی شورای نگهبان صادر شود که با مخالفت علی حسینی نماینده نیاوند رویه‌رو گردید. به گفته وی با حذف اصل ۱۶۸، شیرازه اهداف اصلی طرح از هم می‌پاشد و اگر مدیر مسئولی به دادگاه احضار شود، گفته می‌شود که جرم تو مطبوعاتی نیست، تهمت

زده‌ای یا باعث تشویش اذهان عمومی شده‌ای. وی پیشنهاد می‌کرد که طرح به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شود. میردامادی با فرستادن به مجمع مخالفت نمود، زیرا مواردی که بیشتر به جرایم سیاسی و مطبوعاتی مربوط بوده، در آنجا بایگانی شده است و این طرح هم به سر نوشت آنها دچار خواهد شد. میردامادی در توضیح سابقه ماده یک گفت: مضمون ایراد شورای نگهبان در بار اول این بود که دادگاه ویژه روحانیت مشمول این قانون نمی‌شود و البته کاری بدیع بود، زیرا شورای نگهبان باید بگوید خلاف شرع یا قانون اساسی است، نه این که بگوید چیزی به آن اضافه شود؛ در واقع این یک نوع قانون گذاری است و این در حالی بود که "اضافه کردن دادگاه ویژه روحانیت، در کمیسیون رای نیاورد، زیرا آن را خلاف قانون اساسی دانست، به همین دلیل تبصره‌ای به آن زده شد. بار دوم ایراد گرفته شد که اسم دادگاه ویژه باید بیاید، که این موضوع در کمیسیون رأی نداشت و به همین خاطر عین اصل ۱۶۸ آورده شد و از نماینده شورای نگهبان هم پرسیده شد این اصل که مطابق قانون اساسی است، آیا خلاف شرع و قانون اساسی است؟ که پاسخ دادند البته قانون اساسی است و دیگر نمی‌شود کاری کرد.

با وجود این اصلاحات، ماده ۱ باز هم به کمیسیون برگشت و مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد و عبارت زیر به آن افزوده شد:

"هیئت منصفه در دادگاه‌های زیر نظر قوه قضاییه، طبق این قانون تشکیل می‌گردد." مزروعی در مخالفت با این اصلاحیه، آن را خلاف قانون اساسی دانست، زیرا به دادگاه‌های خارج از چارچوب قانون اساسی و خارج از قوه قضاییه مجوز داده می‌شود. به هر عنوان و نامی - حتی دادگاه ویژه روحانیت - اجازه پیدا می‌کند به جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی خارج از قوه قضاییه رسیدگی کند. وی پیش‌بینی کرد که شورای نگهبان به این اصلاحیه هم رأی مثبت نخواهد داد، ولی بدنامی آن برای مجلس خواهد ماند.

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید:
"این کلمه را نداریم، ولی محتوایش را داریم. در فقه ما آمده است که یک عده از فضلا و اهل علم در محضر قاضی حاضر باشند تا جلوی اشتباهات قاضی را بگیرند و به او در تشخیص جرم کمک کنند."

هر چند که میردامادی با این سخنان موافق بود، ولی استدلال او این بود که بیش از ۹۰٪ دادگاه‌ها زیر نظر قوه قضاییه هستند و نباید به خاطر آن چند درصد، بقیه دادگاه‌ها را بدون هیئت منصفه گذاشت.

اعلمی با اخطار قانون اساسی اعلام کرد که اصلاحیه فوق، قید زدن بر قانون اساسی و از اطلاق انداختن آن است؛ زیرا در اصل ۶۱ آمده که اعمال قوه قضاییه صرفاً از طریق دادگاه‌های دادگستری است. هر چند که نایب رئیس اخطار او را وارد ندانست، و ماده یک با تغییراتی اساسی به تصویب نمایندگان رسید.

ماده دوم به اعضای هیئت منصفه از بین گروه‌های مختلف اجتماعی اختصاص دارد و تبصره‌ای که عضویت برخی از مسئولان رده بالای نظام را در هیئت منصفه ممنوع کرده است.

ماده سوم شورایی به ریاست استاندار و عضویت رئیس کل دادگستری، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای اسلامی استان و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس برای تعیین اعضای هیئت منصفه تعیین می‌گردد.

تبصره‌ای به منظور اصلاح، به این ماده افزوده شد. به این مضمون که در صورتی که یک ماه پس از ابلاغ آیین نامه اجرایی، هیئت منصفه تشکیل نشد، شورای اسلامی مرکز استان وظیفه قرعه کشی (برای تعیین اعضا) را بر عهده خواهد گرفت.

در اصلاحیه آمده است: انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت منصفه هر استان از بین اقبشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه به قید قرعه به صورت علنی خواهد بود و...

کمیسیون در این اصلاحیه افرادی که باید قرعه کشی را انجام بدهند حذف کرده است و مجری کار معلوم نیست؛ زیرا شورای نگهبان به آن ایراد "تداخل قوا" گرفته بود. در حالی که این قانون در شرایط کنونی اجرا می‌شود. توضیح آن که بار اول که عضو یا رئیس شورای شهر جزء هیئت بود، شورای نگهبان به آن ایراد نگرفت، اما بعد که استاندار و مدیر کل ارشاد حذف شد، این بار شورای نگهبان به آن ایراد گرفت که اگر رئیس شورای شهر ریاست این شورا را عهده‌دار شود، خلاف قانون اساسی است. میردامادی این را خلاف قانون اساسی ذکر کرد که اگر شورای نگهبان یکبار در مورد قانونی اظهار نظر کرد و مطلبی را خلاف قانون اساسی تشخیص نداد، نمی‌تواند دوباره آن را خلاف قانون اعلام کند، در حالی که این اتفاق در اینجا افتاده است.

اصلاح بعدی، افزودن این فراز است که: "امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر شورایی مرکب از رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان و یکی از اساتید مسلمان و متعهد دانشگاه به معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری خواهد بود" و در اصلاح بعدی، وزیر دادگستری در تهران افزوده شد و در استان‌ها یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان ناظر در جلسات شورا شرکت خواهد نمود و بدین ترتیب حضور اساتید دانشگاه حذف شد و در آخرین اصلاح عبارت: نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به "انتخاب مجلس" به عنوان ناظر در جلسات هیئت شرکت خواهد نمود، تغییر یافته است.

ماده ۴ به شرایط اعضا اختصاص دارد. ماده ۵ تعداد اعضا و... مواد بعدی دربرگیرنده و تعیین کننده شرایط، نحوه انتخاب و مدت عضویت هستند. ماده ۸ تأمین بودجه دبیرخانه هیئت منصفه را از محل امکانات شورای شهر مرکز استان ذکر کرده بود که در اصلاح به عبارت "بودجه از محل کمک‌های اهدایی تأمین خواهد شد" تغییر یافت و تعریفی برای کمک‌های اهدایی داده نشده است.

ماده ۱۰ نشانگر اهمیت و مسئولیت هیئت منصفه است و اعضای هیئت منصفه را موظف می‌کند که در برابر قرآن کریم سوگند یاد کنند که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های شخصی، گروهی و با رعایت صداقت، تقوا و امانت‌داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند.

بر اساس ماده ۱۱ رد صلاحیت اعضای هیئت منصفه همانند رد صلاحیت قضات خواهد بود. ماده ۱۳ می‌گوید پس از اعلام ختم دادرسی، بلافاصله هیئت منصفه وارد شور می‌شود و در باره دو پرسش به‌طور جداگانه و با رای مخفی تصمیم می‌گیرد که:

۱- متهم مجرم است یا خیر؟ ۲- در صورت مجرم بودن آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

در تبصره نخست این ماده در صورت برابری آراء، رای بر براءت و یا استحقاق مجرم به تخفیف در مجازات تعلق

**در مورد جرایم
سیاسی هم چون
حکومت یک طرف
دعواست، خودش
نباید قضاوت بکند،
چون قاضی، خود از
ارکان حکومت است**

**مضمون ایراد شورای
نگهبان در بار اول این
بود که دادگاه ویژه
روحانیت مشمول این
قانون نمی‌شود و
البته کاری بدیع بود،
زیرا شورای نگهبان
باید بگوید خلاف
شرع یا قانون اساسی
است، نه این که
بگوید چیزی به آن
اضافه شود؛ در واقع
این یک نوع
قانون گذاری است**

**تجربه دوره مجلس
ششم نشان می‌دهد
که طرح‌ها در مجمع
تشخیص مصلحت
به بایگانی رفته و تا
نوبت مقرر رسیدگی
زمان زیادی را طی
خواهند کرد**

می گیرد و پس از امضای اعضا یک نسخه از آن به رئیس دادگاه تقدیم می گردد.

تبصره دوم آن می گوید هرگاه رأی هیئت منصفه مبنی بر مجرمیت متهم باشد، تطبیق جرم انتسابی با قانون و تعیین میزان مجازات با رعایت نظر هیئت منصفه به عهده رئیس دادگاه است و در تبصره سوم اگر هیئت منصفه متهم را مجرم نداند، دادگاه باید حکم بر برائت متهم صادر کند و در تبصره چهارم آن، تصمیم هیئت منصفه قابل اعتراض و نقض در دیوان عالی کشور یا دیگر مراجع تجدیدنظر نیست.

پیرو ایرادات شورای نگهبان در اصلاحیه های بعدی، تبصره دوم به عبارت زیر تغییر یافت:

پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می نماید.

تبصره سوم نیز کاملاً تغییر یافته است، بدین صورت که اگر تصمیم هیئت منصفه بر مجرمیت باشد، دادگاه می تواند پس از رسیدگی، رأی بر برائت صادر کند.

تبصره چهارم نیز تغییر کرده و رأی صادره را قابل تجدیدنظر خواهی دانست که به تصویب نمایندگان رسید. قربانی، عضو کمیسیون قضایی، تبصره چهارم را تضييع حقوق شکات تلقی کرد، در حالی که به نظر گلپاز، هیئت منصفه ماهیتاً از جنس حاکمیت نیست و حقوق متهم و شاکی را حفظ می کند. با توجه به این که پشتیبان واقعی شاکی، خود دادگاه است و دادگاه تجدیدنظر هم از جنس خود دادگاه است، با این حال کاملاً با متن اولیه مغایرت دارد.

مجدداً شورای نگهبان ماده ۱۳ را خلاف شرع تشخیص داده و آن را به کمیسیون فرستاد. در صورتی که بنابر گفته میردامادی، ماده ۱۳ عین ماده ۴۳ قانون مطبوعات بوده که دو سال قبل از این قانون، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. بنابر این کمیسیون ماده ۱۳ را به این عبارت تغییر داد که در خصوص نحوه و نتایج اظهار نظر هیئت منصفه و اقدام دادگاه ماده (۴۳) قانون مطبوعات مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی مجری خواهد بود. این عبارت هم از سوی شورای نگهبان پذیرفته نشده، در کمیسیون نسبت به قانونی که هم اکنون در کشور اجرا می شود با نگاهی پایین تر و کاهش یافته، عبارت را چنین تغییر داده است: پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضای هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف- متهم بزحاکار است یا خیر؟ ب- در صورت بزحاکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ و در تبصره آن آمده است: پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم، اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می نماید.

و سرانجام ماده ۱۴ طرح، مصونیت اعضای هیئت منصفه در حیطة وظایف و اظهاراتشان را مطرح کرده و این که اشخاص حقیقی و حقوقی یا مراجع اداری و قضایی حق بازخواست از اعضای هیئت را ندارند، ولی این ماده هم در اصلاحات کمیسیون مورد حذف واقع شد.

این طرح از ششم آبان ماه ۱۳۸۰ تاکنون برای هفتمین بار از سوی شورای نگهبان به کمیسیون امنیت ملی مجلس برگشت داده شده است تا این بار شامل چه اصلاحاتی گردد!

همان طور که ذکر آن رفت، هدف طراحان به حفظ اصل هیئت منصفه کاهش یافته، هر چند که از محتوای مطلوب آنان خارج شده و ایرادات شورای نگهبان و سرانجام اصلاحات وارده باعث شده که طرح نهایی با آنچه که در ابتدا مطلوب کمیسیون بود فاصله زیادی پیدا نماید. کمیسیون بر آن است تا با اصلاحات خود مانع از فرستادن طرح به مجمع تشخیص مصلحت شود، چرا که تجربه دوره مجلس ششم نشان می دهد که طرح ها در مجمع تشخیص مصلحت به بایگانی رفته و تا نوبت مقرر رسیدگی زمان زیادی را طی خواهند کرد. بنابر این نیت نمایندگان این است که اصل ۱۶۸ قانون اساسی معطل نمانده و جنبه اجرایی پیدا کند، اما هر بار شامل اصلاحاتی می گردد که محتوای آن را بسیار کاهش می دهد و به قول میردامادی اگر طرح، پنجاه بار هم به وسیله شورای نگهبان رد شود، مجدداً اصلاح شده و به شورای نگهبان فرستاده می شود اما کمترین فایده اش این است که مردم خواهند دانست که در این مملکت چه می گذرد و قانون گذاری دچار مشکلاتی است و قوانین با چه بهانه هایی رد می شوند.

شورای نگهبان ماده ۱۳ را خلاف شرع تشخیص داده و آن را به کمیسیون فرستاد. در صورتی که بنابر گفته میردامادی، ماده ۱۳ عین ماده ۴۳ قانون مطبوعات بوده که دو سال قبل از این قانون، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است

به قول میردامادی اگر طرح، پنجاه بار هم به وسیله شورای نگهبان رد شود، مجدداً اصلاح شده و به شورای نگهبان فرستاده می شود. اما کمترین فایده اش این است که مردم خواهند دانست که در این مملکت چه می گذرد و قانون گذاری دچار چه مشکلاتی است

